

ویژگی‌های همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

محمد حسین جمشیدی^۱

ابراهیم ایران نژاد^۲

چکیده

از موضوعاتی که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) قابل توجه است، وحدت اسلامی است، از آنجایی که این مفهوم می‌تواند مورد بازخوانی، قرائت و تفسیر خاصی قرار گیرد و در هر گفتمان خاص، معنایی خاص به خود داشته باشد، لذا مهم‌تر از هر چیز ماهیت آن در زبان و اندیشه اندیشمند و نظریه‌پرداز مدافع آن است اما در ک چیستی و ماهیت هر امری پیش از هر چیز به ویژگی‌های معرفتی، هستی‌شناسانه و ارزشی وابسته است که بدان معنا می‌دهد. فرضیه اساسی ما در این پژوهش بررسی دیدگاه گفتمانی درباره ماهیت وحدت و همبستگی از دیدگاه حضرت امام خمینی است. و سؤال اصلی ما در این نوشتار این است که وحدتی که امام آن را به عنوان یک واجب الهی، امر مقدس و ضرورتی عقلی و شرعی نام می‌برد؛ دارای چه ویژگی‌های عقلی و نظری یا ارزشی و جهان‌شناسانه‌ای است؟ چرا که ویژگی‌های هر چیز در کل بیان‌کننده چیستی حقیقی آن است. بدین معنی که واقعیت وجودی آن را می‌سازند و شکل می‌دهند. مهم‌ترین صفات و خصایل وحدت اسلامی با توجه به آثار و اندیشه امام خمینی (ره) عبارتند از: توحیدباوری و اعتصام به حبل الله، مصلحت باوری عمومی و توجه به منافع عامه انسان‌های مسلمان، مکتب باوری یا توجه به مصلحت اسلام و شریعت، وحدت باوری یا تأکید بر اهمیت و جایگاه همبستگی اسلام و... که در اندیشه امام از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، وحدت، همبستگی، وحدت اسلامی، اخوت اسلامی، خداباوری، تکلیف باوری، نیت باوری، جماعت باوری.

Email: Jam14si@yahoo.com

Email: Irannejad1985@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه تربیت مدرس

۲- پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان شرقی

مقدمه

وحدت یکی از موضوعات مهم جهان اسلام است که دیدگاه‌های مختلفی درباره آن مطرح شد. تلاش در جهت وحدت اسلامی در سده گذشته از سوی اندیشمندیان همچون سید جمال و محمد عبد آغاز شد و تا کنون نیز تلاش‌های فراوانی برای نیل به این مقصود صورت گرفته است.

در این میان، امام خمینی (ره) به عنوان یک نظریه‌پرداز و اندیشمند و فقیه بزرگ و به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران این مسأله و ابعاد گوناگون آن را با عنایتی خاص مد نظر قرار داده و عملاً گام‌هایی چند در راه تحقق وحدت در جوامع اسلامی برداشتند.

از اقدامات و تلاش‌های امام خمینی (ره) در باب وحدت اسلامی می‌توان علاوه بر تأکید بر آن در بیانات و نوشتارهای خویش، از طرح تقیه مداراتی و فتاوایی چند در این مورد (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۲: ۲۰۰-۱۷۴) - بویژه نگارش رساله‌ای در تقیه - احیای نماز جمعه، طرح مسأله برائت از کفار و مشرکین در مراسم حج، اعلام روز جهانی قدس و ... نام برد. اما آنچه در اینجا اهمیت دارد چستی وحدت و همبستگی است که حقیقت آن را به نمایش می‌گذارد و بدون شناخت آن نه می‌توان در جهت تحقق وحدت و همبستگی گام برداشت و نه می‌توان علل و ابعاد آن را آنگونه که باید شناخت. برای شناخت چستی هرچیز نیز بیان ویژگی‌ها و خصوصیات آن یکی از بهترین روشهاست، از این رو پرسش اصلی نوشتار این است که همبستگی و وحدت اسلامی مورد نظر امام خمینی (ره) از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ ما برای دادن پاسخ به این پرسش با شیوه‌ای تحلیلی و نظری به تبیین و بررسی آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) پرداخته و با شیوه منطق بازسازی سعی در ارائه تصویری نمادین از نگاه ایشان به خصوصیات وحدت و همبستگی داریم. اما پیش از آن بیان مفهوم وحدت و همبستگی و نیز مؤلفه‌های وحدت نیز ضروری به نظر می‌رسد.

۱. مفهوم وحدت و همبستگی

وحدت و همبستگی، از مسائلی است که در طول تاریخ - به ویژه در دوران جدید - توجه مسلمانان را به خود جلب کرده است. گاه وحدت از منظر ایجاد یک نظام سیاسی -

اجتماعی واحد در سراسر جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته که معمولاً با عنوان «پان اسلامیسم» از آن یاد شده است. مفهومی که ابتدا از سوی مخالفان اسلام مطرح شد و سعی کردند به آن جنبه نژادی و قومی دهند و آن را به عنوان ابزاری در جهت تفرقه و از هم پاشیدگی جوامع اسلامی به کار گیرند. برای نمونه، ادوارد براون نهضت پان اسلامیسم را که در سال ۱۹۰۲ در اروپا بر سر زبانها افتاده بود، ناشی از ساخته‌های هوچیگرانه مخبر روزنامه تایمز در وین می‌داند (موثقی ۱۳۷۵: ۲۷۴). در حالی که این مفهوم بیان کننده «اتحاد همه کشورهای اسلامی... یا وحدت مسلمین جهان تحت مرکزیت واحد...» (موثقی ۱۳۷۵: ۲۷۳) است. گاه وحدت از زاویه بنیان فکری آن (عقیدتی، سیاسی و ...) مورد توجه قرار می‌گیرد. گاه نیز وحدت و اتحاد مسلمانان برای مقابله با خطر و تهدیدی که اسلام و مسلمین را هدف قرار می‌دهد و می‌تواند روحیه شهامت و مبارزه را در آنها زنده نماید، مورد تعمق قرار می‌گیرد که در اینجا با نگرشی سیاسی مورد نظر قرا می‌گیرد.

وحدت و اتحاد هر دو در اصل بیان کننده «یکی شدن»، «یکرنگی»، «همبستگی»، «همگرایی»، «یکدلی» و «حرکت در یک مسیر واحد» یا «برخورداری از جهت واحد» برای رسیدن به مقصدی واحد می‌باشد. برای نمونه، در لغت‌نامه دهخدا "وحدت" به معانی «یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، یکی، عینیت، اتحاد، تنها و یکتا ماندن، یگانه شدن، یکی بودن، یگانگی و...» (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۴: ۲۰۴۵۳) و "اتحاد" به معنای «یکی شدن، یگانگی دانستن، یکرنگی، یگانگی، یکدلی، یک جہتی، موافقت و اجتماع...» (دهخدا، ۱۳۷۳ ج ۱: ۸۴۴) آمده است. وحدت و اتحاد در این معنا در برابر مفاهیمی چون کثرت، پراکندگی، اختلاف، تفرقه و نظایر آن مطرح می‌شوند. به لحاظ فلسفی نیز وحدت در مقابل کثرت مطرح می‌شود و «عبارت است از بودن چیزی به حیثیتی که منقسم نشود به امور متشابه در ماهیت...» (دهخدا، ۱۳۷۳ ج ۱۴: ۲۰۴۵۴).

بر همین اساس، تبدیل شدن واحدها به جمع و سپس جمع‌ها به واحد و کثیر به یکتا و تعدد به یگانگی و جهت‌های مختلف به یک جهت و مقاصد مختلف به یک مقصد و راه‌های گوناگون به یک راه، بیان کننده معنا و مفهوم وحدت و همبستگی است و در اجتماع انسانی، یکدلی و یک جہتی آدیان یک جامعه برای حرکت به سوی مقصدی واحد می‌باشد. بدین معنا که هرگاه

جمعی دارای هدف و آرمان‌های مشترکی باشند و برای رسیدن به آن اهداف و آرمان‌ها، مسیر مشترکی را انتخاب کنند و همه با هم در این مسیر مشترک حرکت کنند؛ گفته می‌شود که آنها وحدت و اتحاد دارد که گاه از آن به اجتماع نیز تعبیر می‌شود.

امام خمینی(ره) در بیان مفهوم وحدت با اشاره به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) وحدت و اتحاد را اجتماع و با هم بودن در امری واحد می‌داند (امام خمینی ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۳۱). بدین معنا که جهت‌گیری و مبنا و مقصد واحد داشتن نشان از وحدت و همبستگی است. البته، این امر واحد در نگاه امام خمینی(ره)، عقیده و باور به توحید و مبدأ واحد در جهان هستی است: "ما اگر این وحدت کلمه و این خاصیت که عبارت از اسلامیت است که در آن همه چیز هست، اگر این را ما حفظ کنیم، تا آخر پیروز هستیم..." (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵۰).

در تحلیل این نظر می‌توان گفت که همبستگی و وحدت گاه بر اساس مبانی اعتقادی یا فکری و نظری است و زمانی بر مبنای جهت‌گیری و حرکت مشخص و گاهی دیگر در راستای هدف و زمانی بر اساس ترکیبی از هر سه می‌باشد. اما وحدت مبتنی بر مبانی بویژه مبانی اعتقادی یعنی وحدت در عقیده و آرمان، وحدت هدف و جهت و نیز وحدت در عمل و حرکت را نیز به دنبال خواهد داشت. لذا در اینجا مبانی اعتقادی یا عقیده و آرمان بن مایه و اساس وحدت و اتحاد خواهند بود و بدون وجود آن، نه می‌توان اساساً از وحدت سخن گفت و نه می‌توان چنین وحدتی را اساس و بن مایه حرکت و پیشرفت قرار داد. بدین معنا، ویژگی‌های اعتقادی و نگرشی و معرفتی و ارزشی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر و ارکان وحدت قلمداد می‌شود؛ عناصری که با شناخت آنها می‌توان به ماهیت وحدت پی برد.

۲. مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و همبستگی

دیدگاه‌های صاحب نظران در خصوص مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و همبستگی متکثر و متنوع است. بدین معنا که از منظر اندیشمندان، وحدت ممکن است بر پایه‌های مختلفی در یک جامعه شکل بگیرد. برخی ذهنیت و سرگذشت مشترک تاریخی، میراث مشترک فرهنگی، هدف و درد مشترک و دین مشترک را در زمره مؤلفه‌های همبستگی ملی می‌دانند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۶) و

برخی نیز فرهنگ، پرچم، محدوده جغرافیایی و زبان را به عنوان عناصر وحدت و همبستگی ملی برمی شمارند(زیبا کلام، ۱۳۷۹: ۲۳). در یک جمع بندی کلی از نظریات مختلف، عناصر شکل دهنده وحدت و همبستگی ملی را می توان به شرح زیر توضیح داد:

۱.۳. سرزمین و جغرافیا: وجود سرزمین و جغرافیای مشترک یکی از عوامل اساسی شکل گیری وحدت و همبستگی میان مردمانی است که در آن سرزمین زیست می کنند. حراست و نگهداری از سرزمین مشترک همواره به عنوان یک عامل اساسی در همبستگی مردمان درون یک سرزمین نقش ایفا کرده است (قاسمی، ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰، ش ۵۹: ۱۱۱)

۲.۳. دولت و نظام سیاسی: نظام سیاسی و دستگاه حکومت نقش عمده ای در ایجاد و حفظ همبستگی ملی در سطوح مختلف دارد. همبستگی ملی خود محصول ساختار قدرت سیاسی است (همان: ۱۱۱).

۳.۳. دین و مذهب: دین و مذهب به مثابه یکی از ریشه های ترین عناصر فرهنگی در اکثر جوامع به عنوان یکی از عوامل اساسی وحدت و همبستگی ملی بوده است. وجود دین مشترک در درون یک قلمرو سرزمین مشترک همواره به عنوان یکی از مبانی شکل گیری وحدت و همبستگی ملی در جوامع مطرح بوده و نقشی اساسی را در پیدایش وفاق و انسجام اجتماعی ایفا کرده است (همان: ۱۱۱).

۴.۳. زبان مشترک: همه کسانی که در مورد فرهنگ و همبستگی و انسجام اجتماعی اندیشیده اند، زبان را جزو یکی از عناصر مهم و تشکیل دهنده وفاق و همبستگی ملی برشمرده اند. وجود زبان رسمی مشترک همواره به عنوان عامل ارتباطی بین مردمان درون یک سرزمین مورد توجه بوده است؛ هرچند ممکن است در کنار یک زبان مشترک، زبان ها و لهجه های غیر رسمی مختلفی نیز وجود داشته باشد.

۵.۳. فرهنگ: فرهنگ و عناصر مهم آن چون نگرش ها، هنرها، رفتارها، رسم ها و آداب مشترک در خصوص مسائل مختلف به عنوان یکی از گام های اولیه و زیربنای تفاهم و همبستگی میان انسانها همواره مدنظر بوده است. آیین های مشترک، نظیر اعیاد و جشن ها و... همچنین، احترام به این آداب و رسوم نقش بسزایی در شکل گیری وفاق و همبستگی اجتماعی دارد.

۶.۳. تاریخ مشترک: سابقه و تجربه تاریخی مشترک یکی از عوامل اساسی ایجاد همبستگی و وحدت ملی در درون یک جامعه است. افرادی که دارای دردها و رنج‌های مشترک و شادی‌های مشترک باشند، احساس علقه و همبستگی بیشتری نسبت به هم دارند (قاسمی، ابراهیم آبادی، همان: ۱۱۱).

در این میان، دیدگاه امام خمینی(ره) متمرکز بر عوامل و عناصر معنوی و غیر مادی وحدت و همبستگی است. البته، این بدان معنا نیست که امام خمینی قائل به نقش عناصری چون جغرافیا، زبان یا تاریخ و نظایر آن در شکل‌گیری وحدت نیست، بلکه ایشان نقش این عناصر را در ایجاد وحدت مورد نظر قرار می‌دهد و به انکار هیچکدام از عناصر نامبرده نمی‌پردازد، اما آنچه که بیش از پیش و مهم‌تر از سایر عناصر مورد توجه و تأکید امام خمینی قرار گرفته است، عناصر بنیانی-تر و مهم‌تر معنوی است که وحدتی پایدار تر و سرنوشت‌سازتر می‌سازند. این عناصر مبتنی بر شناخت و باور هستند. برای نمونه، در عرصه هدف و مقصد، او به دو رکن مهم انگیزه الهی و تشکیل حکومت اسلامی توجه خاص دارد(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱/۴۰۴). یا در عرصه جهت و حرکت سخن از اعتصام به جبل‌الله(آل عمران: ۱۰۳)، تکیه بر معرفت، آگاهی و شناخت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱/۱۶۹-۲۰۶)، وجود دشمن مشترک(امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۴) و یا در میدان مبانی و بنیان‌های اولیه مؤثر در ایجاد وحدت به ایمان و باور به توحید، وحدت کلمه (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۹۳/۴) اصول اعتقادی مشترک چون توحید، معاد، نبوت و...، فطرت سلیم انسانی، محبت و مودت، برادری و اخوت(امام خمینی، معنویت و اخلاق نبوی، زمستان ۱۳۷۷: ۸-۹) و... توجه خاص دارد. بنابراین، اگر بتوان عناصر و مؤلفه‌های وحدت و همبستگی را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد، در نگاه حضرت امام دسته دوم است که در ایجاد و بقای وحدت نقش اساسی‌تر و تعیین‌کننده‌تر و در عین حال، پایدارتری را دارند. بعلاوه این دسته دوم هستند که مورد نظر و تأیید دین اسلام قرار گرفته‌اند در حالی که دسته اول در عین اینکه گاه در ایجاد و بقای وحدت نقش دارند، گاه نیز باعث جدایی و تفرقه می‌گردند.

۴. ویژگی های وحدت اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)

منظور از ویژگی های وحدت و همبستگی، عوامل متعددی است که در شکل گیری و پیدایش یا در بقا و استمرار و یا در مقصد و هدف و بویژه در وجود و هستی وحدت و همبستگی نقش دارد. به بیان دیگر ویژگی ها صفاتی است که وحدت و همبستگی با آنها شناخته می شود و وجودش قائم بر آنهاست و در واقع بدون وجود آنها - در کل - نمی توان از بودن وحدت و همبستگی سخن گفت. برخی از این خصوصیات در قالب باور و نگرش و بینش تجلی یافته و زمینه اصلی ایجاد وحدت و همبستگی را بوجود می آورند. برخی دیگر نیز عوامل مادی و فرهنگی و معنوی و یا سیاسی و نظایر آن هستند که در بقا، استمرار و روند و پیامدهای آن نقش دارند. در اینجا صرفاً به برخی از ویژگی ها و خصوصیات کلی وحدت از دیدگاه امام خمینی(ره) اشاره می شود:

۱.۴. باور و اعتصام به ایده آل مطلق و واحد (حبل الله) یا خداواری

خداوند یکتا و واحد است و مظهر وحدت و یکتایی. باور به نیرو و مبدأ واحد انسانها را هم بسته می کند و از اختلاف و جدایی پرهیز می دهد.

از دیدگاه امام خمینی(ره)، اتحاد و وحدت در سایه توحید و اعتصام به حبل خدایی شکل می گیرد. لذا هرگونه تجمعی و باهم بودنی مطلوب نیست و به وحدت و اتحاد واقعی و پایدار منجر نمی گردد. بلکه آن تجمع و جماعتی مطلوب است و وحدت آفرین که حول محور اعتصام به حبل الله شکل گیرد. آری باور به مبدأ واحد و مظهر وحدت، وحدت آفرین است؛ چون او منشأ و اساس الفت، همبستگی و وحدت است: "هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین و الف بین قلوبهم لو انفق ما فی الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم ولكن الله الف بینهم انه عزیز حکیم" (انفال: ۶۲ و ۶۳). در بیانی دیگر نیز با صراحتی آشکار امر به اعتصام به حبل خدا به صورت متحد و جمعی نموده و از تفرقه نهی می نماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). امام خمینی بارها با اشاره به این آیه تأکید بر وحدت و همبستگی همراه با اعتصام به حبل الهی دارد:

خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: واعتصموا بحبل الله اجتماع، لکن اجتماع با تشبث به حبل الله. هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است، همان است که إقرأ باسم ربک. اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید

اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۸: ۳۳۴).

امام (ره) در این بیان چند موضوع را از هم متمایز می‌سازد که عبارتند از: یک) وجود اجتماع: وحدت از اجتماع و با هم بودن نشأت می‌گیرد؛ بدین معنا که عده‌ای با هدفی مشترک و در امری مشترک با هم اجتماع می‌کنند و جماعتی را به وجود می‌آورند. این امری عادی و طبیعی است و مورد تأیید هر گروه و مکتبی حتی رژیم‌ها و مکاتب غیرالهی می‌باشد. بنابراین بدیهی است که آدمیان به صورت گروهی مجتمع برای انجام امر مشترک اقدام کنند.

دو) مبنا و اساس وحدت: وحدت قبل از هر چیز مبتنی بر باور به منشأ و مبدأ واحد است. مبثدی که خود دارای وحدت و اصل وحدت است. به تعبیر شیخ محمود شلتوت: "وحدت اصل و یگانگی معبود مقتضی آنست که شاخه‌ها به هم پیوندند و همگی حقوق خویشاوندی انسانی را در باره هم منظور دارند. معبود ما از پراکندگی بندگانش ناخشنود است" (شلتوت، ۱۳۵۹: ۷۵).

سه) ماهیت و محتوای وحدت: از دیدگاه امام (ره)، آنچه حقیقت و ماهیت وحدت را روشن می‌کند این است که وحدت در چه جهتی و با چه انگیزه و قصدی صورت گیرد و محور وحدت و اساس آن چیست؟ محور وحدت در اندیشه امام خمینی (ره)، «اعتصام» به «ریسمان الهی» است. «اعتصام» به معنای چنگ زدن به هدف واحد و ایده‌آل هستی است. از این روی، وحدت به لحاظ هستی‌شناسی با توحید ارتباط تام و تمام دارد؛ زیرا فقط راه حق است که فطرتاً می‌تواند انسان‌ها را حول خدا متحد سازد و انسان‌ها واقعاً تمایل فطری به حق و حقیقت دارند و این گرایش در همه آدمیان وجود دارد. پس، وحدت حقیقی بدون اعتصام به خدا و حبل او و حقیقت، معنا نخواهد داشت. بنابراین، جمع شدن حول یک محور مشترک، به تنهایی، وحدتی گذرا، مقطعی و غیرحقیقی است و نامطلوب. امام (ره) در این زمینه می‌فرماید: «هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است... مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند» (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۸: ۳۳۴).

ریسمان الهی ربوبیت است، اسم «رب» همان ریسمان خدایی است. یعنی پذیرش تدبیر و اداره امور عالم و حاکمیت مطلق هستی برای او و لاغیر. در عبارت دوم، امام (ره) حبل خدا و

ریسمان او را «راه حق» می‌داند، راه صدق و راستی، راه خدا و پیامبران الهی که باز همان پذیرش ربوبیت و حاکمیت مطلقه خدا بر عالم وجود است؛ زیرا وحدت نیاز به محور، مبنا یا منشأ و اساس واحدی دارد و یا هدف و مقصد واحدی را می‌طلبد و لذا توحید می‌تواند به عنوان محوری اساسی برای وحدت در نظر گرفته شود، چون در جامعه توحیدی، انسان‌ها در مسیر واحد (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) قرار دارند، برخلاف جامعه شرک و کفر که راه‌ها و مسیرها گوناگون است.

بنابراین، آنچه حقیقت وحدت و اتحاد را شکل می‌دهد، «عبودیت» و «بندگی» در برابر «ربوبیت» و «الوهیت» حق است. «اعتصام به حبل خدا» به این معناست. آنچه از آیه شریفه استنباط می‌شود، سه نکته اساسی است:

یک: «جمیعاً» که همان اراده جمعی و گروهی و با هم بودن است.

دو: «واعتصموا بحبل الله» که اعتصام به حبل الهی در حالت جمعی است و بیان کننده محور و بنیان و رکن اساسی و ذات و ماهیت وحدت و مجتمع (جمیعاً) است.

سه: «ولاتفرقوا» که به معنی نهی از تفرقه و جدایی است. در واقع، با وجود اعتصام به حبل الهی، وجود تفرقه و جدایی منتفی می‌شود. چه پیمودن راه حق باید به صورت جمعی و همگانی و به دور از تفرقه و اختلاف صورت گیرد. به همین دلیل، رسول خدا(ص) بر مسأله جماعت و مجتمع بودن بر امر حق تأکید فراوان داشتند.

۲.۴. مصلحت عمومی باوری

یکی دیگر از بنیان‌های اساسی وحدت اسلامی، «مصلحت عمومی امت اسلامی» است که گاه از آن به صلاح امت یا مصالح جماعت و ... نیز تعبیر شده است. هرگاه مصالح عمومی جامعه اسلامی ایجاب نماید، باید از اختلافات جزئی به راحتی چشم‌پوشی کرد و خواسته‌های فردی و گروهی را فدای مصالح جمع نمود. این موضوع بکرات مورد عنایت و توجه پیشوایان دین بوده است. به عنوان مثال، امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید: از عملی که باعث ننگ و عار ما می‌شود بپرهیزید، مایه سرفرازی ما باشید نه سرافکندگی، در نماز جماعات آنان (برادران اهل سنت) شرکت کنید، بیمارانشان را عیادت نمایید و در مراسم تشیعشان حضور به هم رسانید، و مبدا آنان در کارهای نیک بر شما سبقت گیرند که سزاوار است شما بر آنان پیشی بگیرید، به خدا

هیچ چیز محبوب‌تر از خبء نیست، پرسیده شد خبء چیست؟ فرمودند: تقیه و بر اساس برخی از نقل قول‌ها در پایان روایت فرمودند: «ان ذلک احب العبادات و احسنها» (حر عاملی ۱۹۹۱: ۱۱). البته، به تعبیر امام خمینی (ره) منظور از این نوع تقیه، تقیة مداراتی است که عبارت است از مدارا نمودن با اهل سنت برای حفظ وحدت مسلمانان و بقای اسلام و جامعه اسلامی بدون اینکه ترس و بیمی از ناحیه آنها در کار باشد. بر این اساس، امام خمینی (ره) در کتاب رساله‌ای در تقیه، تقیه را بر دو نوع می‌داند:

یک: تقیه اضطراری که از روی ترس و بیم است و برای حفظ جان، آبرو و یا دارایی و ... خود یا برادر ایمانی و یا ترس از ضرر رسیدن به حوزه اسلام و اختلاف کلمه میان مسلمانان است.

دو: تقیه مداراتی که آنچه در آن مطلوب است، وحدت کلمه مسلمین است و با محبت و دوستی و مدارا با اهل سنت بدون اینکه ترس و بیمی در کار باشد، صورت می‌گیرد.

از نظر امام (ره) راز و رمز تقیة مداراتی، مصلحت عمومی امت اسلامی، وحدت کلمه آنها در برابر دشمنان و جلوگیری از تفرقه و پراکندگی حمایت آنان است تا اینکه میان سایر ملل ذلیل و خوار نشوند و تحت سلطه کفار و سیطره آنان قرار نگیرند (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۰۰ - ۱۷۴).

همچنین، حضرت امام (ره) برای رعایت مصالح امت اسلامی، شرکت در نماز اهل سنت را جایز و بلکه لازم می‌داند. برای نمونه، در جواب استفتایی چون: «برای شرکت در نماز جماعت اهل سنت باید به وظایف نماز فردی عمل کرد یا احکام جماعت؟» این گونه پاسخ می‌دهند: «وظیفه جماعت است و احکام جماعت را دارد» یا در مورد پرسش: «با توجه به اینکه اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند، آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز جماعت اهل تسنن شرکت کنند؟» می‌فرماید: «در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست» (بی‌آزار شیرازی ۱۴۰۴: ۲۳).

امام خمینی (ره) در ضرورت حفظ مصالح عمومی، یعنی مصالح مردم یک جامعه می‌فرماید:

امروز، روزی است که باید تمام قدرت‌ها هماهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند، که اگر نظام به هم بخورد، وضعیت به هم می‌خورد و همه خودشان را فدایی اسلام

بدانند... شما مهیا باشید، نروید سراغ اختلافاتی که خودشان دارند با هم، شما بین راه هستید. اختلاف‌ها را کنار بگذارید... (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۲۰).

بر اساس آنچه گذشت، یکی دیگر از عواملی که ماهیت وحدت را شکل می‌دهد، باور به مصالح عمومی جامعه اسلامی و امت اسلامی یعنی مصلحت کلی مردم در درون جامعه اسلامی است. وحدت در این بُعد رنگ سیاسی به خود می‌گیرد. به همین جهت، از وحدت به طور عمده تحت عنوان وحدت سیاسی امت اسلامی یا جامعه اسلامی یاد می‌شود؛ زیرا وحدت به دلیل مصالح عمومی تحقق می‌یابد. بنابراین، درمی‌یابیم که چون در تفرقه و اختلاف منافع شخصی جای مصالح عمومی و مصالح شریعت را می‌گیرد و منافع شخصی برای هر فردی و هر گروهی از افراد و گروه‌های دیگر متفاوت است طبعاً درگیری‌ها، فساد و جنایات برای به دست آوردن منافع خصوصی رخ می‌دهد؛ در حالی که در وحدت مصلحت واحدی با عنوان مصلحت عمومی یا مصلحت شرع یا هر دو را در نظر می‌گیرند و جایی برای فساد، جنایت، شکست و آسیب‌پذیری باقی نمی‌ماند.

۳.۴. باور به مکتب یا مکتب باوری

یکی دیگر از خصوصیات و ویژگی‌های وحدت در اسلام، رعایت «مصلح اسلام» و «شرع مقدس» است. بدین معنا که اسلام، قوانین و احکام اسلامی، وطن اسلامی و هر آنچه به اسلام تعلق دارد، باید حفظ شود و وحدت و اتحاد مسلمانان در حفظ این راه از ضروریات اولیه است. وحدتی که بر حفظ سرزمین اسلامی یا قوانین اسلام و وحی نیانجامد، وحدت مطلوب و حقیقی مورد نظر امام خمینی(ره) نیست. اساس حفظ اسلام است و وحدت ابزاری برای تحقق آن. حضرت امام(ره) در این زمینه می‌فرمایند:

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است... (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۶).

از دیدگاه امام(ره) تمام مسلمانان از هر نژاد و قومیتی که باشند و با هر زبانی که سخن بگویند، عزیز و گرامی هستند. مهم این است که آنها مکتب اسلام را پذیرفته و کلمه توحید را شعار خویش قرار داده‌اند. لذا باید برای حفظ کیان اسلام و ملل اسلامی آنان را گرامی داشت و وحدت و همبستگی با آنان را حفظ کرد در این زمینه می‌فرمایند:

ما ملت اسلام را، تُرکش باشد، عربش باشد، عجمش باشد - از هر ملت - افریقا باشد، امریکا باشد، هر جا می‌خواهد باشد، ما ملت اسلام را عزیز می‌داریم (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۱: ۳۸۱).

سیادت اسلامی و عزت مسلمین نیز از مواردی است که وحدت و همبستگی برای آن صورت می‌گیرد. این در حالی است که تفرقه و جدایی مسلمانان عامل شکست، ضعف، ذلت و زبونی آنها و سلطه دشمنان بر آنها می‌شود. این است که از نظر امام خمینی (ره) تمام بدبختی‌های مسلمانان از اختلاف و تفرقه‌ای است که بین آنها وجود دارد و راه رسیدن آنها به سیادت و آقایی و حفظ حقیقت و محتوای اسلام ناب بستگی به وحدت و اتحاد مسلمین دارد:

بدبختی‌های مسلمین برای این تفرقه‌ای است که بیشان هست. ملت‌های مسلم با هم اجتماع کنند و حکومت‌ها را الزام کنند به اینکه دست از تفرقه بردارند و دست از حمایت از منافع اجانب هم بردارند (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۴: ۴۴۵).

اخوت و برادری اسلامی که شکل حقیقی و ناب وحدت است، شرط تحقق قدرت اسلام و بقا و استمرار و دوام آن است. با چنین وحدتی تمام مشکلات مسلمانان حل می‌شود؛ چون هیچ قدرتی توان برخورد با آنان و سرزمین‌های آنان را ندارد. در واقع، درمان اصلی دردهای جوامع اسلامی وحدت است، امام در این زمینه می‌فرماید:

من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود؛ که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند. به پای آن باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۸: ۸۸).

بنابراین، مصالح اسلام عامل وحدت است و محور و بنیان آن وحدت برای حفظ اسلام و حفظ کیان آن و تداوم و گسترش دعوت اسلامی در جهان معنا می‌یابد. نمازهای جمعه و جماعات، اعلام برائت از مشرکین در مراسم حج، اعلام هفته وحدت، اعلام روز قدس، همه و همه در جهت مصالح اسلام و شرع اسلامی است که به معنای گذشتن از مصالح شخصی، گروهی، قومی و ملی - یعنی همان مصالح عمومی کشور اسلامی - برای حفظ مصالح عالیّه اسلام است.

۴.۴. توحید کلمه و عقیده واحد

ماهیت وحدت همچنين با مفهوم توحید در عقیده یا به عبارت دیگر، «توحید کلمه» یا «توحید اعتقاد» روشن می‌شود. بر این اساس، «کلمه‌ای واحد»، «نظری واحد»، «اعتقاداتی واحد» و «جهان‌بینی واحد» وجود دارد که همه بدان ملتزم خواهند بود. چنین وحدتی عامل رشد، پیشرفت، تعالی و تکامل جامعه خواهد بود و می‌تواند مدینه فاضله و حکومت مطلوب را ایجاد نماید. به بیان امام(ره):

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است... (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۰۹-۳۱۰).

اگر در صدر اسلام جامعه‌ای فاضله تشکیل شد و پس از آن مسلمانان توانستند بخش بزرگی از جغرافیای شناخته شده آن روز را تحت سلطه خود درآورند، بر اثر همین وحدت کلمه و عقیده و به تعبیر حضرت امام(ره)، بر اساس وجود شمه‌ای از وحدت و اتحاد مبتنی بر اخوت و برادری بین مسلمانان بوده است. چنین وحدتی حول یک جهان‌بینی مشترک شکل می‌گیرد و ایجاد می‌کند که مسلمانان به عنوان صاحبان این مکتب و جهان‌بینی، وحدت لازم را در راستای آن داشته باشند امام در این زمینه فرمودند:

پس بر هر مسلم غیور دینداری لازم است برای (حفظ) شخص خود از فساد، و نوع اهل دین از نفاق و نگهداری حوزه مسلمین و نگهبانی وحدت و جمعیت و احکام عقد اخوت خود را از این رذیله (تفرقه‌جویی حفظ) کند... (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۱۱).

بنابراین، از دیدگاه دینی و اعتقادی، افتراق کلمه، جدایی عقاید، دوگانگی و چندگانگی در نگرشها و اعتقادات، امری مذموم و ناپسند است. در حالی که وحدت کلمه و وحدت اعتقاد امری پسندیده و مطلوب تلقی می‌شود. امام خمینی(ره) افتراق کلمه، جدایی و تفرقه را از گناهان کبیره می‌داند و مسلمین را مأمور به ایجاد دوستی، برادری، مواصت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت در راه ایجاد اتحاد کلمه و وحدت کلمه می‌داند. در این باره، چنین مطرح می‌کند:

مسلمین مأمورند به دوستی و مواصت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و

مخالف مقاصد بزرگ اوست. و پر واضح است که این کبیره موبقه اگر رایج شود در بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد در جمعیت بدواند، درخت نفاق و دورویی در آنجا ایجاد کند، و برومند نماید، و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند، و پایه دیانت را سست کند و از این جهت بر فساد و قبح آن افزوده گردد (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۳۱۱-۳۱۰).

۵.۴. نیت باوری

از دیدگاه اسلام، عقیده و نگرش، راهگشا و روشن کننده عمل و حرکت است. بدون عقیده، عمل معنا ندارد. در نتیجه، همه چیز انسان از نیت و قصد او شروع می‌شود: «إنما الاعمال بالنیات» و بعد از نیت و قصد، عمل معنا می‌یابد و نیت و قصد نیز مبتنی بر شناخت و جهان بینی و جهان نگرسی انسان است. بنابراین، بر اساس رهنمودهای مکتب اسلام، از جهان بینی واحدی شروع می‌کنیم و به عمل واحدی می‌رسیم. پس وحدت کلمه یا همان وحدت در عقیده و باور و سخن است که ما را به وحدت عمل رهنمون می‌سازد امام در این زمینه می‌فرمایند:

کوشش بشود به اینکه آن وحدت حقیقی — که لازمه یک امت مسلمان است و مورد توجه پیغمبران عالم است و مورد امر خدای تبارک و تعالی است — آن امر را دنبال کنیم که حاصل بشود. در طبقات متعارف ملت و ملت‌ها این وحدت آسان‌تر است تا طبقات بالا — باصطلاح بالا— (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۴: ۱۵۲).

به طور کلی، از دیدگاه امام مینا و اساس وحدت عمل، وحدت اسلام است و لذا با هماهنگی بین عقیده و عمل است که وحدت معنا می‌یابد. اگر ما در عقیده و در کلمه دارای وحدت هستیم، معنا ندارد که در عمل و در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی فاقد وحدت باشیم. به تعبیر امام خمینی (ره):

در اسلام، نژاد، گروه، دستجات، زبان، این‌طور چیزها مطرح نیست. اسلام برای همه است و به نفع همه. و ما با شما برادر هستیم به حکم قرآن، به حکم اسلام؛ و از هم جدا نیستیم... دشمنی در کار نیست، همه برادر؛ همه مسلمان؛ همه اهل قرآن؛ همه تابع رسول اکرم (ص) (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۵۹).

۶.۴. جماعت باوری:

شعار معروف «دست خدا با جماعت است» در واقع بیانگر مضمون احادیثی چند از پیشوایان بزرگ اسلام است. برای نمونه، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فان یدالله مع الجماعة و ایاکم و الفرقه» (مجلسی، ج ۳۳ ص: ۲۸۹) یعنی پس (بدانید که) دست خدا با جماعت است و از تفرقه و جدایی بپرهیزید یا «فان یدالله علی الجماعة و ایاکم و الفرقه» (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴ ج ۸: ۱۱۲). این‌گونه روایات و احادیث بیان‌کننده آن است که وقتی اقشار و گروه‌های انسانی با هم شدند و فرد تبدیل به جماعت و نفس تبدیل به اجتماع گردد و اجتماع و جماعت نیز هدفی واحد و راهی واحد را برای رسیدن به هدف آغاز کنند، سنت و قانون الهی حاکم بر جهان این است که آنان در رسیدن به اهداف خود موفق خواهند شد. آری، سنت و قانون لایتغیر خدایی این است که جمع و اجتماع واحد را یاری می‌کند، ولی حاصل تفرقه و جدایی جز شکست نخواهد بود. لذا در احادیث تعبیر «دست خدا» که مظهر قدرت و توان اوست همراه با جماعت آمده است. امام خمینی(ره) نیز تأکید دارد که این امر، ارتباط مستقیم میان پیروزی و موفقیت در زندگی با اجتماع و وحدت یک قاعده عقلی، تجربی، شهودی و شرعی است:

لکن یدالله مع الجماعة؛ خدای تبارک و تعالی با جماعت است ... پشتیبان آنهاست و ما حس کردیم این مطلب را، ذوق کردیم این مطلب را، که این جماعت ایران که با هم شدند، خدا پشتیبان آنها بود، و الآن هم هست (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۶: ۳۱۳).

این مسأله به دلیل تکوینی و طبیعی بودن (سنت خدایی) فزونی توان جمع نسبت به فرد در میان سایر موجودات نیز مصداق دارد؛ چه «قطره‌ها تبدیل به سیل می‌گردند». البته، این موضوع در مورد انسان که اشرف مخلوقات است و از عقل و اختیار برخوردار می‌باشد، دارای اهمیت اساسی و تعیین‌کننده است؛ زیرا تأمین صلاح دنیا و آخرت، دین و دنیای جوامع بشری در سایه وحدت، همبستگی و اتحاد اعضای آن تأمین می‌شود. به بیان امام خمینی(ره):

مسأله‌ای که شما می‌خواهید دنبال کنید - یعنی، مسأله هماهنگی بین تمام نهادها - بسیار مهم است. شما باید احساس کنید که صلاح دین و مکتب ما و صلاح مملکت ما این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم ... اختلاف مال شیطان است، در رحمان اختلاف نیست ... (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۱۵: ۳۶۲-۳۶۱).

این است که در روایات پیامبر(ص) می‌خوانیم که می‌فرماید: «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (نهج الفصاحه ۱۳۷۷: ۴۳۳؛ فرید تنکابنی، ۱۳۷۶: ۱۷۴). یعنی: اتحاد، وحدت و همبستگی رحمت است و تفرقه و جدایی عذاب است. یا «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (نهج الفصاحه ۱۳۷۷: ۳۹۵).

پرهیز از اختلافات سست و بی‌پایه به سلیقه‌هایی که بنیان‌ها را درهم می‌ریزد، مورد انکار هر عقل سالمی است و برآستی از منکرات بزرگ زندگی اجتماعی و مدنی است و از عوامل شکست و انحطاط جامعه، نه صلاح دین در آن است نه صلاح و خیر دنیا. در حالی که وحدت و یکپارچگی به ویژه در مقاطع حساس و بحرانی از ضروریات و از عوامل سازنده و پیش‌برنده است که هم صلاح دنیا را تأمین می‌کند و هم صلاح آخرت را. قطره‌ها را به سیل تبدیل می‌کند و عالمی را دگرگون می‌سازد. بنابراین، عقل حکم می‌کند که وحدت یک ضرورت جهانی و فطری برای حفظ و بقای انسان و جامعه انسانی است.

۷.۴. تکلیف باوری و «تقدس وحدت»

از دیدگاه امام خمینی(ره)، رعایت وحدت و اتحاد تکلیف شرعی است. این تکلیف — به ویژه در هر جا که مصالح کلی‌تر در خطر باشد — به طور عمده جنبهٔ وجوب پیدا می‌کند و بر همگان فرض می‌شود، در شرایط خاص و بحرانی حتی امام خمینی(ره) فقدان وحدت را نوعی «انتحار» و «خودکشی جمعی» می‌داند و در این زمینه می‌فرماید:

امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی هستیم، از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است گرایش نموده، و کلمه حق را علیاً و کلمه باطل را سفلاً قرار دهیم. در این موقع حساس که کشور ما و اسلام عزیز در معرض خطر عظیم است، تکلیف همه گروه‌ها و افراد، خطیر و عظیم است. سستی و سردی در حال حاضر و اختلاف و افتراق کلمه، در حکم انتحار و به هدر دادن خون فرزندان اسلام است (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۴: ۳۱۱).

در جایی دیگر، رعایت اتحاد و وحدت را با اشاره به آیهٔ «واعتصموا...» دستور و فرمان الهی می‌داند که اجتناب و تخلف از آن جرم و گناه محسوب می‌شود، چه با وحدت و اعتصام جمعی به

حبل الهی است که پیشرفت و تکامل و پیروزی تحقق می‌یابد و با تفرقه و جدایی است که شکست و نابودی ملت قطعی خواهد بود در این زمینه می‌فرماید:

اسلام دستور داده است و فرموده است: واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا؛ همه با هم — تمام اقشار با هم — اعتصام به حبل الله، توجه به خدای بزرگ؛.. همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۷: ۹۹).

گاه نیز جدایی و افتراق را خیانت به اسلام می‌داند؛ زیرا باعث ایجاد خلل در قدرت اسلام می‌گردد و باعث شکست اسلام و مسلمین خواهد شد. اسلام ما را به وحدت مأمور کرده است به وحدت کلمه دستور داده است. پس نه تنها باید از تفرقه پرهیز کرد بلکه باید با تفرقه‌افکنان نیز ستیز نمود. جایی برای تفرقه‌افکنان باقی نگذاشت. تفرقه‌افکنان خائن هستند و خائنین را باید دور کرد. نباید اجازه داد در صفوف مسلمانان وارد شوند.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، شرع به شما تذکر می‌دهد که تفرقه رمز شکست و اتحاد رمز پیروزی است. اجتماع برای خدا نجاتبخش است وحدت امری الهی و تفرقه عذاب و امری شیطانی است. باید همه تحت پرچم توحید و ایصال به خدا قرار گیرند تا به موفقیت و کامیابی برسند. این موضوع بویژه وقتی دشمن مشترک وجود دارد، اهمیت بیشتری می‌یابد. در این شرایط، هم عقل و هم شرع اقتضا می‌کنند که وحدت و یکپارچگی را باید هر چه بیشتر حفظ کرد و از تفرقه و جدایی پرهیز نمود: (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۲۰: ۲۲۷-۲۲۶).

۸.۴. برادری اسلامی (وحدت مبتنی بر برادری اسلامی)

بر اساس نظر قرآن، رابطه‌ای که بین مؤمنان ایجاد می‌شود، رابطه‌ای است که از آن تحت عنوان «اخوت» یا «برادری» یاد می‌گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «انما المؤمنون اخوة» (حجرات: ۱۰). یعنی همانا مؤمنان با هم برادر هستند. پیامبر اسلام (ص) با تکیه بر اصل برادری و اخوت مسلمانان بود که هنگام هجرت در مکه به مهاجران فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَ لَكُمْ إِخْوَانًا وَ دَارًا تَأْمُنُونَ بِهَا» (ابن هشام بی‌تا ج ۲: ۱۰۹). یعنی: همانا خداوند برای شما برادرانی و خانه‌ای قرار داده است که در آن تأمین دارید. ایشان بعد از ورود به یترب بین مهاجران و انصار «برادری دو جانبه» را در عمل تحقق بخشید. در سیره ابن هشام آمده است که در این خصوص خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «تَأَخُّوا فِي اللَّهِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ» (ابن هشام بی‌تا ج ۲: ۱۴۶). یعنی شما دو به دو با یکدیگر در راه خدا و برای او برادر شوید. بر مبنای چنین اقدامی، خود شخصاً با

حضرت علی(ع) پیمان برادری بست و مسلمانان نیز دو به دو با یکدیگر برادر شدند. برای نمونه حمزه، عموی پیامبر(ص)، با زید بن حارثه و جعفر بن ابیطالب با معاذ بن جبل برادر شد. از چنین اخوتی به اخوت ایمانی یا اخوت اسلامی تعبیر می‌شود که بیان‌کننده زیباترین شکل وحدت یعنی رعایت وحدت در تمام شئون زندگی اجتماعی است. مایه و ریشه چنین وحدتی، الفت و محبت بین قلوب است. بر این اساس، وحدت حقیقی دارای چند ویژگی است که از آن به اخوت اسلامی یا اخوت ایمانی تعبیر می‌شود:

اول: اجتماع و همگرایی مردم در راه مشترک با هدف و مقصد مشترک؛

دوم: اعتصام به حبل الهی و خدایی بودن مینا و ملاک وحدت؛

سوم: وجود الفت بین دلها و قلوب اعضای جامعه؛

چهارم: یکرنگی و صداقت بین اعضای جامعه.

امام خمینی (ره) نیز با اشاره به آیه اخوت — *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ* (حجرات: ۱۰) — تأکید دارد که راه داشتن استقلال و رهایی از تعدیات بیگانگان وجود چنین اخوت و برادری است. راه حفظ و تداوم انقلاب و حفظ کشور پیوند اخوت یا وحدت حقیقی و مبتنی بر الفت در بین افراد جامعه است و این خود یک تکلیف دینی و شرعی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۴۳۵)

بر این اساس، اخوت و برادری در اصل به معنای گذشتن از مقاصد و منافع شخصی برای مصلحت عمومی می‌باشد و تا انسان از سر منافع خصوصی برنخیزد و خود را در جامعه و مصلحت کلی مردم (عامه) ذوب نکند، اخوت و وحدت معنا نمی‌یابد. حضرت امام در جایی دیگر می‌فرماید:

این برادری یکی از اموری است که در قرآن کریم، همه ما را برادر خواندند؛ مسلمان‌ها را، مؤمنین را، و برادرها باید با حسن نیت و برادری مجتمع باشند و بحمدالله تعالی، هستند. ما باید این نعمت الهی، که خدا این را نعمت حساب کرده — این نعمت، بزرگ‌ترین نعمت است — این نعمت الهی را ما باید حفظش کنیم. مادامی که این نعمت الهی را ما حفظ کردیم، در امان هستیم از همه شیاطین. و آن روزی که ما این نعمت را — خدای نخواست — از دست بدهیم، آن روز است که خلل وارد می‌شود به کشور ما (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۶: ۱۷۳).

۹.۴. سعادت باوری:

هر چند وحدت و یکپارچگی عاملی است که باعث تحقق رحمت الهی بر بشر، تداوم آن و کلید بهشت و سعادت اخروی می‌باشد، اما خود در اثر باور به نقش سازنده آن در ایجاد سعادت و در نتیجه سعادت باوری به وجود می‌آید. بدین معنا که در اثر باور راستین و حقیقی به سعادت دو جهانی و نقش سرنوشت جمعی در ایجاد آن می‌توان در راستای وحدت و اتحاد گام برداشت. با باور به این نقش اهمیت وحدت برای انسان فزونی یافته و در می‌یابد که با وحدت رحمت الهی بر بشر گشوده می‌شود و با تفرقه و اختلاف در رحمت بر روی بشر بسته می‌گردد؛ پس وحدت در این نگاه حاصل باور به سعادت و نقش وحدت در رحمت و الهی و سعادت در جامعه است. امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید:

از این جهت که دست خدا در کار است، باید شما و ما و همه، کاری بکنیم که این دست رحمت بسته نشود؛ از روی سر ما برداشته نشود. و آن کار این است که همان طوری که تا حالا همه با هم بودیم و یدالله مع الجماعة، و همه برای خدا بود و خدای تبارک و تعالی عنایت فرمود، حالا هم توجه به یک گرفتاری‌های شخصی عجلتاً نکنیم... (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۸: ۷۷).

پس، اگر دنبال سعادت و رحمت هستیم، باید وحدت و همبستگی خود و باهم بودن را حفظ نماییم. همان‌گونه که وحدت رحمت، آرامش و امنیت و مهم‌تر از همه صلاح و سعادت جامعه را به دنبال دارد، اختلاف و تفرقه نیز هرگونه فساد را به دنبال دارد. به تعبیر امام خمینی (ره):

...همه با هم باشید و تفرق در کار نباشد. با تفرق همه فسادها هست. و با تمسک به خداوند همه صلاح و سعادت‌ها هست (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱۶). اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم، الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می‌کنیم... اگر همه مؤمنین در قطره‌های اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بینشان انداخته است، همین یک دستور را عمل بکنند، قابل آسیب دیگر نیست... این گرفتاری‌ها برای ما پیدا نمی‌شد (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۱: ۴۹۱).

مهم‌تر از همه اینکه بهشت و سعادت برین را نیز نتیجه وحدت، یکپارچگی و همبستگی بین مؤمنان و اخوت و برادری آنها همراه با اعتصام به حبس الله می‌داند و با استناد به آیه اخوت خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

...این آیه را همه ملاحظه کنید. همه اعتصام به «حبل الله» بکنید، همه برادر باشید تا در بهشت هم - إخوان بر آن سُروری که هستید در مقابل هم - برادر باشید. اگر اینجا برادری نباشد در آنجا هم بهشتی معلوم نیست باشد برای شما (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۵: ۴۷۶).

۱۰.۴. نظام سیاسی و حکومت

حکومت و نظام سیاسی محور وحدت بخش و همبستگی آور در جامعه است. اساساً یکی از فلسفه‌های وجودی حکومت جلوگیری از افتراق و از هم پاشیدن جامعه و حرکت دادن شهروندان در جهت و مسیر واحدی می باشد. بر همین اساس، یکی از مهم‌ترین مسائلی که مورد عنایت حضرت امام خمینی(ره) بود و از لحاظ نظری و عملی در راه تحقق آن نهایت سعی خود را کرد و سرانجام نیز با پیروزی انقلاب اسلامی به تحقق آن مبادرت ورزید، مسأله تشکیل حکومت بود. البته، از دیدگاه امام خمینی(ره) حکومت یک سازمان اجرایی و ابزاری است و فی نفسه هدف نیست. بدین معنا که مطلوبیت آن وابسته به مطلوبیت اهداف متعالی آن است. برخی از اهداف متعالی حکومت عبارت بود از: تحقق قسط و عدل در جامعه، اجرای قوانین، برقراری نظامات اسلامی، حفظ وحدت جامعه و امت اسلامی و ... برای مثال امام خمینی می فرماید:

"ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست نشانده آنها و خارج و آزاد کنیم راهی نداریم، جز این که تشکیل حکومت بدهیم" (امام خمینی، بی تا: ۴۲).

امام خمینی(ره) این امر را به عنوان اصلی برگرفته از اسلام مورد توجه قرار داده است و این موضوع مورد توجه پیشوایان اسلام است. برای مثال، حضرت زهرا(س) نیز در خطبه شریفه خود می فرماید: «و طاعتنا نظاماً للملئ و امامتنا لَمَّا للفرقة» (اربلی، ج ۱، ص ۴۸۳) یعنی؛ و پیروی از ما سامان بخش امور دین و امامت ما برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است. از دیدگاه امام خمینی(ره)، تحقق جمهوری اسلامی (به عنوان حکومتی مطلوب و شایسته)، حاصل این وحدت بود. در واقع، وحدت عامل ضروری تشکیل حکومت و تشکیل حکومت عامل ضروری حفظ وحدت بود. این دو ملازم یکدیگرند. حکومت عدل الهی با اعتصام به حبل الله و برای ایجاد و استمرار این اعتصام به وجود می آید. به تعبیر حضرت امام، وحدت برای حفظ نظام لازم و حکومت برای تأمین وحدت ضروری است.

۵. سطوح وحدت در اسلام

وحدت و همبستگی را بر اساس نگاه اسلام می‌توان در چهار سطح کلی مورد توجه قرار داده:

الف) در سطح جهانی یا وحدت بشریت: به نظر قرآن و سنت اسلامی انسانها موجوداتی یکسان و برابر هستند و هیچ‌گونه امتیاز و برتری ذاتی با یکدیگر ندارند. عرب و عجم، سیاه و سفید همگی در پیشگاه خدا و در برابر معیارهای حق و حقیقت با هم یکسانند و اگر اختلافاتی در طبیعت و خلقت آنها دیده می‌شود، برای شناسایی است نه در جهت جدایی و اختلاف. بنابراین، در سراسر جهان، وحدت انسانیت و وحدت انسانها، وحدتی طبیعی و فطری است، زیرا در همه آنها گرایش به اتفاق و اجتماع با هم‌نوع خود وجود دارد. قرآن در این باره به مسأله از یک اصل بودن بشر اشاره دارد و اختلافات قومی و ملی را عاملی برای شناسایی آنان می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» (حجرات: ۱۳).

در این آیه، سه مسأله مطرح شده است که هر سه تأکید بر وحدت و اتحاد نوع انسانی دارد: یک: آفرینش آدمیان از یک مرد و زن (اصل واحد)؛ دو: تقسیم به شعوب (ملتها) و قبایل (اقوام) صرفاً برای شناسایی و امکان ایجاد رابطه و هماهنگی با یکدیگر است، زیرا طبعاً انس و علاقه و رابطه، در اثر شناسایی حاصل می‌شود و وحدت ناشی از این انس، علاقه و رابطه است.

سه: معیار برتری نزد خدا تقواست که امری اکتسابی است و بسته به همت و تلاش فرد دارد. تقوا مانع تفرقه، اختلاف، تبعیض و بی‌عدالتی می‌باشد.

امام خمینی (ره) در سطوح محدودتری از وحدت جهانی از وحدت و اتحاد مستضعفین نیز سخن به میان می‌آورد. که البته این نوع وحدت از دیدگاه امام جنبه سیاسی دارد و باید برای مقابله با قدرت‌های ظالم و تحقق عدالت در جهان به وجود آید:

دنيا اگر بخواهد از شر فساد آسوده بشود، بايد همه مستضعفين دست به هم بزنند و قدرت‌های اينها را محدود کنند در حکومت‌های خودشان ... بالاخره، اگر بخواهد بشر، مستضعفين عالم اگر بخواهند يك زندگي شرافتمندانه انسانی داشته باشند، بايد همه مستضعفين جهان به هم دست بدهند... (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۵: ۵۲۰-۵۲۱).

ب) وحدت صاحبان ادیان الهی یا وحدت اهل کتاب: در این نوع از وحدت، مؤمنان به توحید و ادیانی که ریشه آسمانی دارند و دارای کتاب آسمانی هستند، با یکدیگر متحد هستند و در یک راستا یعنی تحقق توحید گام برمی‌دارند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً...» (آل عمران: ۸۵).

در این آیه نیز تأکید بر این است که در کلمه‌ای (بیانی) که بین ما و شما یکسان است، یعنی توحید و دوری از شرک وحدت داشته باشید. وحدت ادیان به لحاظ هستی‌شناسی و ایدئولوژیک تنها بر مبنای اصل توحید و یکتاپرستی صورت می‌گیرد و نوعی اعتصام به حبل الهی است و پیروی از توحید ضرورتاً وحدت را به دنبال دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۱۱: ۳۸۱).

ج) وحدت در سطح دارالاسلام یا وحدت مسلمانان یا وحدت اسلامی: در این سطح اتحاد و به هم پیوستگی در راستای نوعیت بشر نیست بلکه در راستا و بر مبنای باور و ایمان به توحید و سایر اصول و باورهای مکتب اسلام است. وحدتی که بیش از هر چیز مورد تأکید امام خمینی (ره) قرار دارد این نوع وحدت یعنی وحدت اسلامی یا وحدت امت اسلامی است. قرآن در مورد این وحدت می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء: ۹۲). یعنی: «همانا این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شمایم پس مرا عبادت کنید».

از وحدت اسلامی، به معنای دقیق و حقیقی آن، گاه به «اخوت اسلامی» تعبیر می‌شود که علاوه بر ایمان اجتماع و اعتصام به حبل خدا، الفت و یکرنگی و محبت عاطفی شدید در آن مطرح می‌شود. این نوع وحدت بیش از همه مورد تأکید حضرت امام است و بارها و بارها آن را خاطر نشان می‌سازد:

یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده‌شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید ... (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۸: ۹۱).

تا مجتمع نشوید، تا دستتان را به هم ندهید، تا اخوت اسلامی را حفظ نکنید، نمی‌توانید در مقابل این قدرت‌ها بایستید. (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۷: ۴۰۴).

د) در سطح کشور و ملت (وحدت ملی یا وحدت اقشار ملت): وحدت در این سطح مبتنی بر اشتراکات خاص ملی چون فرهنگ، زبان، نژاد و تاریخ یا به طور کلی ملیت و مبنای آن استوار

است و مصالح ملی را مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه امام خمینی (ره) این نوع وحدت برای حفظ انقلاب اسلامی که در چهارچوب مرزهای ایران و نظام جمهوری اسلامی و رهایی از بند استکبار تحقق یافت، در درون مرزها مطرح می‌شود و در چارچوب وحدت اسلامی و مبتنی بر آن شکل می‌گیرد:

شما آقایان، شما جوان‌ها، شما اقشار ملت، آن رمزی را که به آن رمز پیروز شدید حفظ کنید و آن حفظ وحدت کلمه است. اختلاف را کنار بگذارید، با هم برادروار، با هم با یک صدا به پیش بروید و آن استقرار حکومت عدل اسلامی برای همه، عدالت برای همه ... از همه ملت خواستارم که حفظ کنند وحدت کلمه را و نگذارند اینها در بین اقشار شما تفرقه بیندازند (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۷: ۶۴).

گاه نیز از وحدت در درون ملت، از اتحاد و وحدت اقشار با هم و با دولت در جامعه اسلامی سخن می‌گوید:

وقتی ملت و دولت با هم شد، قشرهای روحانی و قشرهای دانشگاه‌ها و سایر قشرها، ارتشی و اشخاصی دیگر همه با هم هستند و همه یک فکر می‌کنند، البته منافع ابرقدرت‌ها دیگر نمی‌شود تأمین بشود... (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۹۶).

از میان این چهار سطح وحدت — با توجه به شرایط معاصر جامعه بین‌الملل — آنچه بیشتر از همه مورد توجه امام خمینی (ره) است، «وحدت امت اسلامی» یا «وحدت اسلامی» در جهت تحقق اهداف راستین اسلام و اسلام ناب است. وحدت اسلامی این است که همه نیروهای مسلمانان، موضع‌گیری‌ها و اقدامات واحدی در قضایا و مسایل مشترک اسلامی، مانند باورهای اساسی و تعیین کننده، اجرای شریعت اسلام، تحقق نظام سیاسی اسلامی، یا موضع‌گیری واحد نسبت به دشمنان اسلام و مسلمانان در مقام عمل داشته باشند. این نوع وحدت و همبستگی بر اساس باورها، ارزش‌ها و جهان بینی و ایدئولوژی مورد نظر اسلام شکل می‌گیرد.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، وحدت از ارکان مهم دین اسلام است؛ لذا در این آیین بر وحدت و اتحاد و همبستگی پیروان آن تأکید زیادی شده است. اما هر وحدتی مطلوب اسلام نیست. لذا وحدت اسلامی دارای ویژگی‌های خاص خود است که حقیقت آن را می‌سازند. از این رو امام

خمینی به عنوان یک رهبر دینی و مصلح شریعت اسلامی، این ویژگی ها را به صورت برجسته و آشکاری مورد نظر قرار داده است. ویژگی‌هایی که فقدان آنها نشان از نبود وحدت و همبستگی مورد نظر اسلام است. از این رو وحدت اسلامی در اندیشه امام خمینی دارای ویژگی‌ها و صفاتی مهم و محوری در عرصه ایمان و باور و معنویت و ارزشها است. مهم‌ترین این صفات و خصایل با توجه به آثار و اندیشه امام خمینی (ره) عبارتند از: توحیدباوری و اعتصام به حبل الله، مصلحت باوری عمومی و توجه به منافع عامه انسانهای مسلمان، مکتب باوری یا توجه به مصلحت اسلام و شریعت، وحدت باوری یا تأکید بر اهمیت و جایگاه همبستگی اسلامی، وحدت در جهان بینی و نگرش (جهان بینی واحد) و ایدئولوژی، نیت باوری یا تابعیت عمل و حرکت و رفتار از اندیشه و جهان بینی توحیدی، خدایی بودن وحدت و لذا فسادناپذیری آن، تکلیف باوری یعنی تکلیف الهی و شرعی دانستن وحدت و همبستگی، اخوت و برادری دینی و یکرنگی، سعادت باوری یعنی اینکه وحدت و همبستگی را راه رسیدن به بهشت و سعادت ابدی دانستن.

از این رو، وحدت اسلامی به جای تکیه بر عوامل مادی و تاریخی چون زبان، تاریخ، مرز جغرافیایی و... بر عوامل معنوی چون توحید گرایی، معنویت و اخلاق و ارزشها و باورهای اصیل و انسانی تکیه دارد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، ابوحامد عبدالحمید بن هبئه الله. (۱۴۰۴ ق.) شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. (بی تا) سیره ابن هشام. بیروت: دارالکتب العربی. ۲۰ ج.
۴. اربلی، علی بن عیسی. (۱۴۲۶ ق.) کشف الغمّه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تهران، مجمع اهل بیت (ع)، ۴ ج.
۵. امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۸) الرسائل. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ سوم، ۲ ج.
۶. _____ (۱۳۷۵) شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ ۷.
۷. _____ (۱۳۷۸) صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۲۲ ج.
۸. _____ (۱۳۶۱ به بعد). صحیفه نور، تهران: مرکز اسناد و مدارک فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی، ۲۱ ج.
۹. _____ (بی تا) نامه ای از امام موسوی کاشف الغطاء (ولایت فقیه)، بی جا، بی نا.
۱۰. بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۴۰۴ ق.) توحید کلمه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) «میزگرد وفاق اجتماعی ۲»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳ و ۲.
۱۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ اول از دوره جدید. ۱۴ ج.
۱۳. فرید تنکابنی، مرتضی. (۱۳۷۶) راهنمای انسانیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.
۱۴. زیبا کلام، صادق (۱۳۷۸) میزگرد پیرامون همبستگی ملی و وفاق اجتماعی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱.
۱۵. شلتوت، محمود (۱۳۵۹) تعالیم اسلام، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ۴.

۱۶. عاملی، شیخ حر (۱۹۹۱ م.) وسائل الشیعه لتحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی. الطبعة السادسة، ۲۰ ج.
۱۷. قاسمی، علی اصغر، ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰) «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. بیروت.
۱۹. موثقی، سید احمد. (۱۳۷۵) استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. نبوی، عباس. (۱۳۷۷) حوزه و دانشگاه به سوی وحدت راهبردی فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۷.
۲۱. نهج الفصاحه. (۱۳۷۷) گردآوری و ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات جاویدان. چ ۳.

Archive of SID